

نیم نگاهی

به

مدیریت، طرح و برنامه در قرآن



نیم نگاهی به

مدیریت، طرح و برنامه در قرآن

مؤلف : سرتیپ ستاد ناصر آراسته

۱۳۸۸

سرشناسه: آراسته ، ناصر، ۱۳۳۱
عنوان و نام پدیدآور: نیم‌نگاهی به مدیریت، طرح و برنامه در قرآن / مؤلف ناصر آراسته؛ برای هیأت
معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
مشخصات نشر: تهران: ایران سبز، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۷۶ ص.
شابک: ۸۰۰۰ ریال : ۲-۵۸-۷۶۰۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۷۳-۷۴؛ همچنین به صورت زیرنویس
موضوع: مدیریت (اسلام) -- جنبه‌های قرآنی
موضوع: مدیریت (اسلام)
شناسه افزوده: ایران. ارتش. هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ BP۱۰۴/م۳۴۴۴
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۶۵۳۱۳

نویسنده: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

نوبت چاپ و سال: اول / ۱۳۸۸

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: رحیم نائبی

صفحه‌آرایی تکمیلی: غلامحسین قدسی، حامد خدمتی

طرح جلد: حمید خراعی

ناشر: انتشارات ایران سبز - تهران - صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۶۷۶۵

شماره شابک: ۲-۵۸-۷۶۰۷-۹۶۴-۹۷۸

شمارگان: ۳۰۰۰

مرکز پخش: تلفن: ۲۲۴۸۷۷۵۶ - نمابر: ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پستی ۱۷۱-۱۹۵۶۵

قیمت: ۸۰۰ تومان

حق چاپ برای «هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

فهرست

۴.....	مقدمه
۱۵.....	بخش اول / طرح و برنامه
۱۶.....	معنی لغوی طرح
۱۶.....	معنی اصطلاح و کاربردی طرح
۱۸.....	برنامه چیست؟
۲۱.....	وجه تمایز طرح و برنامه
۲۷.....	بخش دوم / اسلام و ضرورت مدیریت
۲۸.....	قرآن و ضرورت مدیریت
۳۳.....	تشیع و مدیریت
۴۳.....	بخش سوم / قرآن تجلی طرح و برنامه الهی
۴۴.....	زندگی انسان (از خلقت تا بهشت یا جهنم)
۵۲.....	طرح و برنامه در خلقت آسمانها و زمین
۵۸.....	نقشه راه (طرح) و برنامه انسان برای عمل
۶۵.....	بخش چهارم / نتایج و درسها
۶۶.....	نتایج بحث
۶۹.....	درسهایی که گرفتیم

معرفی مؤلف

سرتیپ ناصر آراسته در سال ۱۳۳۱ در تهران متولد گردید. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران گذراند. در سال ۱۳۴۷ وارد دبیرستان نظام و در سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده افسری شد. پس از فارغ التحصیلی به رشته توپخانه اختصاص یافت و دوره مقدماتی و عالی این رشته را طی نمود.

سال ۱۳۷۰ دوره دانشکده فرماندهی و ستاد را با اخذ گواهینامه کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی می گذراند. و سپس دوره دانشگاه عالی دفاع ملی را در مقطع دکترا طی نمود. نامبرده کارشناسی حقوق فضایی را نیز از دانشگاه شهید بهشتی اخذ نموده است.

در سالهای خدمت به ترتیب دارای مشاغل و مسئولیتهایی چون: معاون و فرمانده آتشبار، افسر ش، م، ه رکن ۳ لشکر، افسر دیدبان و فرمانده یگان تکاور در مبارزه با ضد انقلاب، رئیس بازرسی لشکر ۲۱ حمزه، جانشین و رئیس بازرسی نیروی زمینی ارتش در زمان جنگ تحمیلی، فرمانده دانشگاه افسری امام علی (ع)، معاون هم آهنگ کننده ستاد ارتش، جانشین رئیس ستاد، جانشین فرمانده کل ارتش، جانشین گروه مشاوران نظامی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا - در زمان نگارش این کتاب - همچنین رئیس هیات معارف جنگ از سال ۱۳۷۸ بعد از شهادت سپهبد علی صیاد شیرازی با حکم مقام معظم فرماندهی کل قوا.

ایشان قبل از جنگ تحمیلی در مبارزه با ضد انقلاب یک چشم و شنوایی یک گوش و سلامتی قسمتهایی از بدن خود را در نبرد با دشمنان انقلاب اسلامی از دست داده است.

ناشر

مقدمه

وَزَوَّجْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَ
بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

(سوره نحل آیه ۸۹)

و ما بر تو این کتاب (قرآن) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند
و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد.^۱

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

(سوره نمل آیه ۷۵)

هیچ امری در آسمان و زمین پنهان نیست جز اینکه در کتاب (علم الهی)
آشکار است.^۲

هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

(سوره جائیه آیه ۲۰)

این کتاب برای عموم مایه بصیرت بسیار و برای اهل یقین هدایت و
رحمت پروردگار است.^۳

^۱ - قرآن کریم - ترجمه استاد الهی قمشاهی - انتشارات هجرت چاپ سوم ۱۴۱۳ ه.ق.
صفحه ۲۷۷

^۲ - تفضیل آیات قرآن کریم - ترجمه استاد الهی قمشاهی، انتشارات اسلامیة چاپ ۱۳۶۰
صفحه ۱۱۹۷

^۳ - منبع بند ۱، صفحه ۵۰۰

انَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ...

(سوره توبه آیه ۳۶)

همانا ماهها نزد خداوند دوازده ماه است در کتاب خدا... و از آن دوازده چهار ماه حرام خواهد بود.^۱

آری بنا به فرموده حضرت حق جلّ جلاله در قرآن هر چیز که مایه هدایت است برای مسلمین، و برای عموم مردم مایه بصیرت و برای اهل یقین رحمت پروردگار را داراست آورده شده، و بنا به فرمایش قرآن همه چیز حتی اموری که بر ما مخفی است در کتاب علم الهی ثبت و آشکار است و آنچه را هم که حضرتش عیان فرموده در کتاب خدا ضبط است و این کتاب هدایت و سعادت برای بشر و بشریت به ارمغان می‌آورد.

قرآن کتابی است که سعادت دنیا و آخرت بشر را تأمین می‌نماید، اگر آنرا صرفاً کتابی برای سعادت اخروی بدانیم به نظر دچار اشتباه شده‌ایم. آیا می‌شود گفت عبادات تصریحی در قرآن صرفاً اثر اخروی دارند؟ آیا احکام تبیین شده در قرآن از احکام و قوانین قضائی همچون: حدود و قصاص و دیات، احکام ارث، تا مقررات مربوط به جهاد، احکام ازدواج و طلاق، بحث اداره زندگی انسانها و جامعه انسانی در این دنیا نیست؟

^۱ - قرآن کریم - ترجمه استاد الهی قمشاهی - انتشارات هجرت چاپ سوم ۱۴۱۳ ه.ق
صفحه ۱۹۲

آیا پیامبر اعظم حضرت محمد ابن عبدالله صلوات الله عليه و آله
نفرموده است^۱ "دنیا مزرعه آخرت است".

اگر چنین است که هست آیا برداشت محصول سعادت جاوید
از مزرعه دنیا بدون شکوفایی آن میسر است؟

کتابی که نحوه امانت سپردن، قرض دادن مال دنیا را به
شخصی و نحوه گواه گرفتن و یا نوشتن رسید دریافت پول و مال
را بیان می‌کند^۲ حتماً مباحث مربوط به اداره جامعه و سعادت
دنیای انسانها را نیز تبیین نموده است.

همین دلایل اندک ما را بر این باور که قرآن مکتب انسان‌سازی و
قانون اساسی برای سعادت انسان و جامعه است، رهنمون می‌گردند.

خود قرآن کریم بیان داشته که همه چیز در قرآن هست البته
در اینجا به دو نکته ظریف ولی اساسی باید توجه داشته باشیم. اولاً
همه چیز برای هدایت بشر و جامعه در قرآن هست، ثانیاً طرح مسائل
و امور در قرآن کریم به اشکال مختلف است، در مواردی اصول و
مبانی را بیان فرموده، در اموری مصادیق را عنوان داشته، برای
عبرت گرفتن، مثالها و تجربیات تاریخی را ذکر فرموده، در جاهایی
اهداف را در آیاتی تصریح نموده، اموری را با زمان و مکان بیان

^۱ - الدنيا مزرعة الآخرة - منتخب المیزان الحکمه - مؤلف محمدی ری شهری - چاپ نشر

دارالحدیث چاپ اول سال ۱۳۸۱ جلد اول صفحه ۳۶۴

^۲ - یا ایها الذین آمنوا... سوره بقره آیه ۲۸۲

داشته و در اموری زمانها را به صورت کلی بیان نموده و در آیاتی زمان وقوع اموری را با جملات، زود، دیر نیست، در آینده، و هرچه زودتر و نزدیک است شرح داده است، در آیاتی الگوهائی را چه فردی و چه اجتماعی ارائه فرموده و انسانهائی را که جلوه‌های عینی عمل به احکام و آیات الهی هستند را نام می‌برد^۱ و همین‌طور چهره‌های شاخص باطل را نیز همچون فرعون، نمرود و اقوام مخالف با ادیان الهی را که به عذاب گرفتار شده‌اند را بر می‌شمرد.

از طرفی این کتاب آنهايي را که باید در امور از آنها اطاعت نمائیم و یا اولیاء امور را به ما معرفی می‌نماید^۲ تا در مسیر زندگی به دستورات آنان که دستورات خداوند و پیامبر و الگوهای رفتاری است، عمل نمائیم و به سعادت دنیا و آخرت نائل شویم. زیرا این دو یعنی اهل بیت(ع) و قرآن تا قیام قیامت با هم هستند^۳ و رمز سعادت انسان در پیروی از این دو است، ما باید راههای سعادت

^۱ - اسامی پیامبران و بزرگان الهی که در قرآن در سوره‌های مختلف نام آنها آورده شده است.

^۲ - انما ولیکم الله و رسوله... - سوره مائده قرآن کریم - آیه ۵۵ که بنابه تفاسیر کلیه

مفسرین منظور حضرت امیرالمومنین علی علیه‌السلام می‌باشد.

^۳ - حدیث ثقلین: آتی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض من توسل (تمسک) بهما فقد نجا و من تخلف عنهما فقد هلك - ما ان تمسکتُم

بهما لن تصلوا ایدا - شبهای پیشاور، مؤلف سلطان الواعظین شیرازی - ناشر دارالکتب

اسلامیه - چاپ سی و پنجم ۱۳۷۲ صفحه ۲۲۵ به نقل از کتب اهل سنت.

یعنی رسیدن به قرب الهی را بازشناسیم که قرآن از اهل بیت پیامبر(ع) به عنوان راههای خداوند نام برده است.^۱

آیات قرآن کریم متشکل از اهداف، راهها و شیوه‌های رسیدن به سعادت این دنیا و آن دنیاست. آری قرآن سعادت و عزت و فلاح جاودان را در حیات طیبه دنیوی می‌داند.

هر که را عاش سعیدا، مات سعیدا خواهد بود.

حال با این توضیحات اگر بخواهیم نگاهی گذرا و در حد بضاعت ناچیز علمی خود به برنامه و برنامه‌ریزی در قرآن اندازیم از آنجا که قرآن و عترت از هم جدا شدنی نیستند و عمل به سیره معصومین(ع) امر قرآن است و آنها خود راههای وصول به رضوان الهی هستند.

از احادیث چندی هم در این زمینه بهره می‌گیریم.

در جهان امروزی و در مدیریت نوین علمی، برنامه‌ریزی عنصر اصلی و مهم از وظایف مدیران و مسئولین جوامع و در زندگی فردی از ضرورتها و وظائف هر فرد است و این امر نیز به علم،

^۱ - قسمتی از دعای شریف ندبه: فقلت قل لاسئلكم عليه اجراً الا المودة فی القربى و قلت ما سئلتكم من اجر فهو لكم و قلت ما اسئلكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلاً فكانوا هم السبيل اليك - کلیات مفاتیح الجنان - اثر حاج شیخ عباس قمی با ترجمه فارسی و با طرح جدید - انتشارات اسلامی - صفحه ۸۳۴

بصیرت و تجربه نیاز دارد و هر چقدر انسان در این دنیا با علم، بصیرت و تجربه عمل نماید موفقیت او بیشتر و خطایش کمتر و چاره‌جوییش بهتر است.

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ. (سوره اسراء آیه ۳۶)

از آنچه به آن علم نداری پیروی نکن.

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده‌اند: کسی که بدون علم کار می‌کند همانند کسی است که در کوره راه گام برمی‌دارد. هر قدر از راه منحرف گردد از راه اصلی دورتر و از مقصود فاصله می‌گیرد.

کسی که با علم گام برمی‌دارد مثل کسی است که در مسیر صحیح راه می‌رود و به مقصود می‌رسد.

فرد دانا باید دقت کند راهی را که آغاز کرده، به مقصد منتهی می‌گردد یا در حال مراجعت و پس رفتن است.^۱

پیروزی به دور اندیشی است و دور اندیشی به استفاده از تجربه‌هاست.^۲

^۱ - نهج البلاغه امام علی(ع) ترجمه استاد مصطفی زمانی - ناشر انتشارات کتاب یوسف چاپ سوم پائیز ۱۳۷۹ ترجمه قسمتی از خطبه فضائل اهل بیت(ع) صفحات ۳۵۷، ۳۵۸
^۲ - غررالحکم درر الکلم آمدی، به صورت موضوعی با ترجمه فارسی به قلم سید هاشم رسول محلاتی، نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم سال ۱۳۷۹، جلد اول صفحه ۱۷۹ حدیث شماره ۲/۱۱۰۲.

آیا طرح، چیزی جز دور اندیشی و آینده‌نگری علمی برای رسیدن به مقصود است؟

آیا در حقیقت طرح، نقشه راه از مبداء به مقصد نیست؟ و چنانچه زمانهای مربوط به مراحل و مقاطع این راه را مشخص کنیم این طرح به برنامه تبدیل نمی‌شود، اینها سئوال‌هایی است که در این نوشتار باید به جواب آنها برسیم.

هیچ جامعه، مؤسسه، ملت و کشور و یا جوامع انسانی کوچکتر مثل مدرسه و یا یک کارگاه کوچک مکانیکی را در عصر حاضر نمی‌توان یافت که فاقد طرح و برنامه باشند لیکن آن چیزی که یافت می‌شود نقایص، معایب، تأخیر، بد عمل کردن یا اجرا نکردن برنامه‌ها است، حتی کوچکترین واحد اجتماعی که خانواده است بدون طرح و برنامه مناسب به سرمنزل مقصود نخواهد رسید و بدون برنامه در امر معاش، اداره زندگی، تربیت فرزندان، تأمین آتیه، ایجاد آسایش، امنیت و سلامت خود دچار مشکلات عدیده خواهد شد.

طبیعی است هر چقدر در مراحل طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی، برآوردها و پیش‌بینی‌ها، درک واقعیت‌ها، شناخت محیط، برشمردن نیازها_ محاسبه مقدورات و محدودیتها، تواناییها، تهدیدات و فرصتها، شناخت اهداف و زمانها و ابزار و شیوه‌های وصول به اهداف بهتر و کاملتر و یا علمی‌تر به عمل آید. آن برنامه و در نتیجه جامعه دارای طرح و برنامه، در صورت اجرای درست و

به موقع و با جدیت آنها با موفقیت بیشتری مواجه خواهد شد و شکست و ضایعه کمتری خواهد داد و البته چنانچه همه اقدامات پیش گفته براساس حقایق امور و بدون خطا معمول گردد موفقیت هم، کامل و حتمی و شکست و ضایعه هم قریب به صفر خواهد بود.

و چه زیباست فرمایش امیر مؤمنان حضرت علی علیه‌السلام:

قَدْ أَنْجَبَتِ السَّرَائِرُ لَأَهْلَ الْبَصَائِرِ

(به راستی که نمودار شده پوشیده‌ها و پنهانها برای اهل بینش)^۱

مَنْ بَدَلَ جُهْدَ طاقْتِهِ بَلَغَ كُنْهَ إِرَادَتِهِ

(کسی که آنچه را در توان دارد برای رسیدن به آرمان خود به کار بندد به نهایت هدف خود برسد)^۲

^۱ - غررالحکم و دررالکلم آمدی (بصورت موضوعی) با شرح و ترجمه فارسی به قلم سید هاشم رسولی محلاتی چاپ سوم ۱۳۷۹ - نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد اول صفحه ۱۶۰ حدیث شماره ۴/۹۳۶.

^۲ - همان منبع قبل صفحه ۱۷۸ حدیث شماره ۱۱/۱۰۹۷.

علم، حکمت و در نهایت و کاملتر از همه وحی به ما می‌گویند انسان پیچیده‌ترین و کاملترین مخلوق ذات باریتعالی است و شناخت کامل از جسم و جان، امیال و آرزوها و نیازها و ظرائف وجودی این اشرف مخلوقات هنوز در کارگاه هستی و توسط دانشمندان و محققین علوم مختلف میسر نشده است و میسر هم نخواهد شد و تنها این شناخت کامل از انسان در خالق هستی که این موجود را خلق کرده وجود دارد و به اذن او و با کلام وحی و علم لدنی در پیامبر بویژه خاتم ایشان حضرت ختمی مرتبت ابوالقاسم محمد(ص) و جانشینان بر حقش ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین وجود دارد.

طبیعی است وقتی خداوند قادر، علیم و حکیم موجودی چون انسان را آفریده پس اوست که برای این مخلوق خویش هدف، برنامه و برای جامعه انسانی طرح و برنامه و هدف مشخص نموده و چون تنها اوست که به هرچیزی در خصوص انسان علم دارد و علمش همه هستی را احاطه کرده پس بهترین عمل برای رسیدن به اهدافی که خداوند تبارک و تعالی مشخص کرده پیروی از دستورالعمل، بروشور یا کتاب راهنمای این مخلوق و یا برنامه مدونی است که حضرت حق تدوین و صادر فرمودند.

کتاب راهنمای عمل انسان، قرآن کریم است که برای اداره امور و طی مسیر کمال تا قرب الهی تنظیم و بر قلب پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل گشته است و لذا بایستی آدمی برای سازمان امور خویش، جامعه خود، برنامه زندگی خود و جامعه خودش به آن تمسک جوید و در عمل، به سیره پیامبر اعظم (ص) و انمه اطهار (ع) متمسک شود تا راه به سرمنزل مقصود ببرد.

امید است که در این نوشتار مبانی و اصولی از طرح و برنامه در قرآن، این کتاب جاودانه الهی برگرفته و ارائه نماییم.

بخش اول

طرح و برنامه

در اینجا تعاریفی از طرح البته به صورت بسیار مختصر و در حد نیاز این نوشتار ارائه می‌گردد.

معنی لغوی طرح

طرح (Plan) از واژه لاتین پلانوم (Planum) به معنای سطح هموار آمده است، این واژه ابتدا در قرن هفتم میلادی وارد زبان انگلیسی شد و سپس به زبانهای دیگر راه یافت و در شروع کاربردش به معنای (Plan) نقشه که در یک سطح صاف تهیه می‌شود بکار می‌رفت.

معنی اصطلاحی و کاربردی

طرح عبارت است از مجموعه‌ای از تلاشهای سیستماتیک هدفمند در جهت رسیدن به اهداف بلند مدت، در مدیریت علمی طرح‌ریزی اولین و مهمترین وظیفه یک مدیر بشمار می‌آید.

حال تعاریفی از طرح . طرح‌ریزی از دیدگاه چند تن از علمای میدان مدیریت را نیز بیان می‌کنم.^۱

هانری فویل از بنیانگذاران مدیریت علمی معتقد است که طرح‌ریزی اگر تمام مدیریت نباشد مهمترین وظیفه مدیریت است.

^۱ - طرح‌ریزی استراتژیک دفاعی و امنیتی - کتاب درسی مقطع دکترای دانشگاه عالی دفاع ملی - تألیف دکتر محمد باقر دانش آشتیانی چاپ سال ۷۷ - صفحات ۱ و ۲.

ویلدافسکی – کلیه اقداماتی را که یک سازمان برای نیل به هدفهای آینده انجام می‌دهد طرح‌ریزی می‌داند و معتقد است نبود طرح‌ریزی برای آینده به معنای آن است که هدفی برای آینده وجود ندارد.

اسنایدر – طرح‌ریزی را فرآیند تصمیم‌سازی درباره هدفهای آینده و راههای رسیدن به این اهداف می‌داند.

از دیدگاه **ورک** – طرح‌ریزی یعنی اندیشیدن به کارهای که بایستی برای نیل به هدفهای آینده انجام گیرد.

اکوف – طرح‌ریزی را آینده مورد نظر و راههای رسیدن به آن می‌داند.

استارت – طرح‌ریزی را یک آینده‌نگری می‌داند.

آینده‌نگری به عنوان یک گزینه در برخی حیوانات و حشرات مانند مورچه، موربانه و سنجاب نیز وجود دارد، برای مثال سنجاب در فصل تابستان و پائیز از روی غریزه، به جمع‌آوری فندق و گردو می‌پردازد، برای سنجاب فصل زمستان یک رویداد اجتناب‌ناپذیر و گرسنگی یک رویداد نامطلوب است و جمع‌آوری و ذخیره‌سازی و کنترل فندق‌ها آماده شدن برای مقابله با گرسنگی در فصل زمستان است.

در کتاب "آلیس در سرزمین عجائب" نوشته لوئیس کارول، بین آلیس و گربه گفتگوی زیر در می‌گیرد:

آلیس: لطفاً بگوئید از چه راهی می‌توانم از اینجا خارج شوم؟

گره: اول باید معلوم کنید که کجا می‌خواهید بروید.

آلیس: جایش مهم نیست.

گره: پس مهم نیست از چه راهی بروید.

این گفتگو می‌تواند مهمترین دلیل برنامه‌ریزی را خاطر نشان سازد، برنامه‌ریزی تعیین‌کننده جهت است.^۱

برنامه چیست؟

در ابتدای بحث لازم است تعاریفی از برنامه و برنامه‌ریزی، و انواع عمده آن، طرح و وجه تمایز طرح . برنامه بصورت مختصر و البته در حد نیاز ارائه گردد.

برنامه‌ریزی شامل: تعیین هدف، وضع خط مشی، تبدیل هدف بصورت برنامه عملیات و پیش‌بینی چگونگی اجرای آنها می‌شود، به عبارت دیگر برنامه‌ریزی براساس پیش‌بینی و دورنگری درباره اینکه برای رسیدن به هدف معینی چه کاری، چگونه، در طی چه مدت زمان و بوسیله چه افرادی بایستی انجام شود استوار است.^۲

^۱ - مبانی مدیریت - گری دسلر، ترجمه داود مدنی - انتشارات پیشرو - چاپ دوم سال ۱۳۶۷ صفحه ۳۳.

^۲ - سازمان و مدیریت - دکتر علی محمد اقتداری - چاپ بیست و یکم سال ۱۳۶۸ - چاپخانه فرهنگ ناشر انتشارات مولوی صفحه ۶۷.

برنامه‌ریزی جامع، انعکاسی از ارزشهای حاکم بر جامعه است، جهان‌بینی‌ها، اعتقادات و سنتهای جامعه در برنامه‌ریزی منعکس می‌شود و این برنامه‌ریزی معطوف به سئوالات اصلی و مسائل اساسی سازمان است.

برنامه‌ریزی عملیاتی به اجزاء و روشهای کار و منافع ملی سازمان تأکید دارد.

فرق اساسی این دو برنامه (جامع و عملیاتی) در این است که در برنامه‌ریزی جامع می‌کوشیم تا کارهای درست انجام دهیم و در برنامه عملیاتی تلاش می‌نمائیم کارها درست انجام شود.

دید برنامه‌ریزی عملیاتی کوتاه‌مدت و برنامه‌ریزی جامع بلندمدت است.^۱

برنامه‌ریزی فرآیندی است شامل اتخاذ ارزیابی مجموعه‌ای از تصمیمات مرتبط با یکدیگر قبل از نیاز به اجرای آنها.

^۱ - مدیریت عمومی - دکتر سید مهدی الوانی - نشر نی چاپ سوم سال ۱۳۶۹ صفحات ۱۳ الی ۱۵.

برنامه عبارت از راه و روش معین شده آینده می‌باشد و برنامه‌ریزی عبارت از عملیاتی خواهد بود که منجر به تهیه برنامه شود.^۱

در این نوشتار ما وارد تعاریف بیشتر از برنامه و انواع مختلف برنامه نمی‌شویم زیرا همین چند تعریف مختصر و دو تقسیم‌بندی عمده یعنی برنامه جامع، عملیاتی، برنامه بلند مدت و کوتاه مدت که مورد اتفاق غالب صاحب‌نظران است برای بحث مورد نظر ما کفایت می‌کند.

حال جهت مقایسه آتی این دو مقوله یعنی برنامه و طرح به جمع‌بندی و ارائه دو تعریف نهایی از طرح و برنامه اشاره می‌کنیم.

طرح عبارت است از: اندیشیدن برای آینده به منظور انتخاب هدف و میسر وصول به هدف و پیش‌بینی کلیه اقداماتی که در این مسیر باید انجام گیرد.

برنامه عبارت است از ترتیب انجام کارهایی که برای اجرای اهداف معینی پیش‌بینی شده است. یک برنامه به ویژه به زمان مرحله‌بندی کار و وسائلی را که برای اجرای آن اختصاص داده شده مشخص می‌نماید (انسان، پول، وسائل و تسهیلات)^۲

^۱ - اصول و مبانی مدیریت دکتر عبدالله جاسبی - انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی چاپ چهارم سال ۱۳۶۹ صفحه ۱۲۸.

^۲ - فرهنگ واژه‌های نظامی - تألیف سر تیپ ستاد محمود رستمی - ناشر، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران چاپ اول سال ۱۳۷۸ صفحه ۱۶۲.

وجه تمایز طرح و برنامه

در اینجا با توجه به روشن شدن تعریف طرح و تعریف برنامه یک وجه تمایز کلی، روشن و عمومی که در نظر کلیه صاحب‌نظران برنامه‌ریزی و علم مدیریت تقریباً یکسان است را بیان می‌دارم:

ابتدا برای رسیدن به یک هدف یا منظور خاصی طرحی تهیه می‌شود، این طرح در حقیقت نقشه مسیری است که برای وصول به آن هدف بایستی طی شود و شرح هدفهای واسطه و اقداماتی است که تا رسیدن به هدف باید تحقق یابد. سپس در یک اقدام دیگر که به آن برنامه‌ریزی گویند کلیه مسیرهای این نقشه و مراحل و اقدامات و هر گام آن از نظر زمان اجرا مشخص می‌شود یعنی طرح زمان‌دار می‌شود پس فرق طرح با برنامه در زمان است، در طرح زمان نیست ولی در برنامه ترتیب انجام کارهای هر مرحله با قید زمان مشخص شده است.

پس برنامه همان طرح است که زمان‌بندی شده و ملزومات اجرای طرح در آن قید شده یا به عبارت کوتاه‌تر: برنامه، طرح زمان‌دار است.

البته تعدادی از صاحب‌نظران یک فرق دیگر بین طرح و برنامه قائل هستند و برآن اساس از طرح و برنامه به این شرح تعریف می‌کنند:

طرح عبارت است از پیش‌بینی آینده که در آن هدف، راههای وصول به آن و کلیه اقداماتی که در راستای رسیدن به هدف بایستی در آینده انجام دهیم مشخص شده حتی زمانهای هر مرحله از اقدامات معلوم است، ولی زمانی برای شروع آن مشخص نشده است.

برنامه همان طرح است که زمان اجرای آن مشخص و آغاز شده است و در زمانی مشخص هم پایان می‌یابد یا به عبارتی دیگر پیش‌بینی آینده تا وقتی به اجرا در نیامده نام طرح به خود دارد و به محض مشخص شدن زمان اجرا و یا آغاز اجراء نامش به برنامه تغییر می‌کند و البته این تعریف بیشتر کاربرد نظامی دارد و در این کاربرد عنوان برنامه هم غالباً بدستور تغییر می‌کند، بویژه چنانچه هدف انجام عملیات نظامی باشد عنوان آن می‌شود "دستور عملیاتی"

یعنی در مقابل طرح کلمه دستور می‌آید.

ولی از نظر بررسی ما این تعریف با تعریف قبل چندان اختلافی ندارد و منظور ما در همه این تعاریف تحقق می‌یابد، یعنی اینکه تأکید برنامه بر زمان است.^۱

یک نکته ظریف ولی اساسی برای طرح و هم برنامه وجود دارد که در خاصیت‌های ذاتی این دو مقوله هست ولی می‌توان به عنوان وجه تمایز طرح با برنامه نیز از آن‌ها یاد کرده که عبارت است از: در طرح پیش‌بینی‌هایی و برآوردهایی و یا فرضیاتی که احتمال تحقق آن‌ها را می‌دهیم آورده می‌شود که زیر بنا و پایه برای طرح‌ریزی بر آن‌ها استوار است و ممکن است در آیین این موارد تغییرات جزئی و یا کلی داشته باشد که چنانچه تغییرات کلی داشته باشد دیگر آن طرح برای تدوین برنامه نمی‌تواند مبنا قرار گیرد و اجباراً باید طرح دیگری تدوین نمود به عنوان مثال مانند طرح برنامه و بودجه سالیانه که بر اساس برآورد و پیش‌بینی درآمدها و هزینه‌ها شکل می‌گیرد و چنانچه برآورد درآمدها درست نباشد و یا محقق نشود باید متممی تهیه کرد تا بر آن اساس برنامه عملیات مدون شود. در صورتی که برنامه بر اساس حقایق و واقعیات روز مدون می‌گردد و هنر طراح و برنامه‌ریز و عمق دید و دانش اوست که

^۱ - فرهنگ واژه‌های نظامی - تألیف سرتیپ ستاد محمود رستمی - ناشر، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران چاپ اول سال ۱۳۷۸ صفحات مربوط به طرح، برنامه، دستور عملیاتی

فاصله فرضیات و برآوردها را با حقایق و واقعیت‌ها به حداقل ممکن می‌رساند پس در طرح سخن از فرضیات است و در برنامه سخن از حقایق و واقعیات است و هر چقدر فرضیات طرح به حقایق تبدیل شود برنامه دقیق‌تر و متقن‌تر است.

به یک نکته هم در اینجا باید اشاره کنم و آن اینکه برنامه و طرح انواع مختلف دارند که قبلاً به دو نوع برنامه اشاره شد شاید بتوان قریب به ۴۸ تقسیم‌بندی از برنامه و همین‌طور به همین تعداد تقسیم و نوع طرح را نام برد ولی چون در حیطه بحث ما نیست به منظور پرهیز از اطاله کلام فقط به همان دو نوع برنامه (جامع یا استراتژیک - عملیاتی یا تاکتیکی) - (بلند مدت - کوتاه مدت) بسنده کرده و یادآور می‌شوم که همین دو نوع تقسیم هم در طرح وجود دارد و جوابگوی ما هم هست، لذا صرفاً به نام بردن دو نوع طرح با همین عناوین اکتفا می‌کنیم: (طرح جامع - طرح عملیاتی) - (طرح بلند مدت - طرح کوتاه مدت).

و البته برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه طرح و برنامه و یا طرح‌ریزی باید به کتب فراوانی که در این زمینه در علم مدیریت وجود دارد مراجعه کرد که در پایان نوشتار شماری از منابع مفید در این زمینه معرفی می‌گردد.

با توجه به: تأثیر، اهمیت هدف - حساسیت عنصر یا سازمان مجری طرح و برنامه - زمان بهره‌مندی از هدف در تهیه طرح یا

برنامه با توجه به دامنه پوشش طرح، اهمیت کیفی یا کمی آن، مدت زمان نفوذ طرح یا استمرار زمانی طرح، موضوع طرح و یا پایان موضوعیت آن، عمق و نفوذ طرح، جامعیت و مانعیت آن، تطبیق آن با حقایق و واقعیتها و اینکه طرح مربوط به کدام اهداف است، نام و مدت زمانهای برنامه هم تغییر می‌کند، ممکن است در یک واحد کوچک اجتماعی بسیاری از طرحها ذهنی باشد یعنی بدون نشود، یا اینکه از قبل تهیه نگردد و لحظاتی و یا دقیقی قبل از اجرا تهیه شود، مثلاً در یک خانواده کوچک برنامه روزانه یک خانه توسط خانم خانه برای اداره آن خانواده در خصوص تهیه غذای روزانه نظافت خانه - اعزام فرزندان به مدرسه - کنترل تکالیف درسی فرزندان و... ، غالباً بدون تهیه طرحی بدون انجام می‌گیرد، در اینگونه طرحها اکثر اوقات برنامه هم به صورت غیر مدون و ذهنی است ولی هرچه وسعت و دامنه یک واحد بزرگتر یا پیچیدگی امور بیشتر و اعضا آن واحد بیشتر و اقدامات درون آن واحد متنوعتر باشد ضرورت تدوین طرح و همین‌طور تهیه برنامه مدون افزایش می‌یابد، ممکن است عناصر تشکیل دهنده یک واحد بسیار کم ولی حساسیت و یا عمر آن واحد و پیچیدگی آن زیاد و هدف نیز مهم باشد به عنوان مثال واحد، همان خانواده مذکور در قبل باشد ولی هدف تحصیل و تربیت فرزندان باشد، طبعاً به تهیه طرح مدون و برنامه مدون نیاز است که سازمان مدرسه و دبیرستان این کار را می‌کند یا حتی واحد مورد بحث صرفاً یک عنصر باشد

مثلاً انسان ولی طرح نه در خصوص تهیه غذای یک روز این عنصر بلکه مربوط به سعادت عمر دنیایی و سپس سعادت جاودان آخرت او باشد که با توجه به بسیار مهم بودن هدف و جاودانه بودن، تهیه یک طرح جامع با کمترین خطا و بیشترین بازدهی و سپس تدوین برنامه مناسب بر آن اساس نه ضروری که الزامی است. و چون عمر دوبار تکرار نمی‌شود و بعد از پایان عمر دیگر تغییر در سیاست‌های ضروری، ادامه و برنامه‌ریزی برای سعادت دنیای باقی و جبران خطاها میسر نیست لذا باید طرحی و برنامه‌ای بدون خطا و با نهایت بازدهی برای این امر تهیه نمود و در این راستا است که وحی الهی اقدام می‌نماید و بعثت پیامبران معنی عمیق خود را عرضه می‌دارد و کتاب خدا قرآن کریم برای این منظور طرح و برنامه ارائه می‌کند حال اگر این عنصر حساس (انسان) در قالب جامعه و جهان نگریسته شود، بزرگی و حساسیت این جوامع ضرورت و الزام تهیه طرح و برنامه مدون برای سعادت جامعه را حتمی می‌نماید و باز هم طرح و برنامه‌ای که در آن خطا نباشد بجز وحی الهی نخواهیم یافت.

بخش دوّم

اسلام و ضرورت مدیریت

چون محور بحث ما طرح و برنامه از منظر قرآن است و به این دلیل که این امر، یعنی طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی از مهمترین برنامه‌های مدیر است لازم دیدم که در این قسمت به صورت بسیار مختصر ضرورت مدیریت را از دید قرآن و احادیث بیان دارم.

قرآن و ضرورت مدیریت^۱

قرآن کریم ضرورت مدیریت را در موارد گوناگون و با شکلهای و شیوه‌های خاصی بیان می‌دارد تا جامعه بشری را به این اصل اساسی متوجه سازد. مطالعه در داستانهای قرآن که حامل سرگذشت پیامبران بزرگ و مردان برجسته تاریخ می‌باشد. این معنا را بهتر روشن می‌کند.

از داستانهای پر شور قرآنی که در بردارنده نکته‌های فراوان و آموزشهای بسیاری در زمینه‌های گوناگون می‌باشد داستان حضرت ابراهیم (ع) است. در این داستان موضوع امامت و رهبری ابراهیم(ع) جایگاه ویژه‌ای دارد.

۱- نگرشی بر مدیریت اسلامی- سید رضا تقوی دامغانی - ناشر : شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول زمستان ۱۳۷۹ صفحه ۴۶ الی ۵۳

« وَ إِذَا بَتَلَىٰ اِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّیْ
جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي
الظَّالِمِيْنَ »
(سوره بقره آیه ۱۲۴)

و آنگاه که خداوند، ابراهیم را به انواع فرمانها آزمایش کرد و با سرافرازی
از آزمایش بیرون آمد از جانب خداوند به او گفته شد من تورا به امامت و
مدیریت مردم برگزیدم.

ابراهیم گفت: آیا این پیشوایی به فرزندان من خواهد رسید.
فرمود: اگر دارای صلاحیت باشند، وگرنه امامت و مدیریت من به
ستمگران نمی رسد.

آن روز که حضرت موسی(ع) در یک ماموریت خدایی عازم
کوه طور بود و برای مدت چهل روز از قوم بنی اسرائیل فاصله
می گرفت. برادرش هارون را به عنوان جانشین خود در میان آن
مردم معرفی کرد و مدیریت و رهبری امت خود را به او سپرد تا
تداخل در مسئولیتها ایجاد نشود و شیرازه جامعه از یکدیگر
نباشد.

«وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي»

(سوره اعراف آیه ۱۴۲)

موسی به برادرش هارون گفت: تو در میان قوم من جانشینم باش.

پیامبر اسلام(ص) نیز همانند دیگر پیامبران الهی، از جانب خداوند مامور شد تا در آخرین سال عمرش، در سفر حجه الوداع، جانشین خویش را به معرفی نماید و بطور رسمی و اختصاصی، با نصب علی(ع) به خلافت و امامت، تکلیف مدیریت را در امور دین و دنیای امت اسلامی مشخص سازد.

« يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ »

(سوره مائده آیه ۶۷)

ای پیامبر! آنچه از جانب خدای تو، در مورد معرفی علی(ع) بر تو نازل گردیده ابلاغ کن و اگر کار معرفی مدیریت امت اسلامی صورت نگیرد رسالت خدا را انجام ندهای، دلهره نداشته باشد که خداوند تورا از شر مردم بد خواه حفظ می کند.

روزی که پیامبر اسلام(ص)، بفرمان خدای منان، مولای متقیان حضرت علی(ع) را در غدیر خم به امامت امت معرفی می‌کند و چهره مدیریت بعد از خویش را می شناساند به تعبیر

قرآن شریف، دشمنان مایوس، و دین خدا تکمیل و نعمت بر مسلمانان تمام می شود.

«... الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ
اخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ
رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...»

(سوره مائده / آیه ۳)

امروز با معرفی مدیریت امت اسلام، کافران از ضربه زدن به دین شما مایوس شدند، پس از آنها بیمناک مباشید بلکه باید از من بترسید که اگر قدر نعمت نشناسید عذاب من بر شما نازل خواهد شد. امروز با تعیین امام دین شما را به حد کمال رساندم و نعمت خدا را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.

در دو آیه آخر که از سوره مائده نقل شده نکات فراوانی در مورد رهبری و اهمیت مدیریت نهفته است، نگاهی دوباره به بخشی از برجستگیهای که در آیات فوق وجود دارد هر چند بگونه ای فهرست وار موضوع حساس و مهم مدیریت را روشنتر می سازد:

۱- عنایت مخصوص خداوند به امامت و مدیریت جامعه: (بلغ ما انزل الیک من ربک).

- ۲- امامت همسنگ رسالت است به طوری‌که اگر در جامعه غایب باشد بیست و سه سال زحمت تبلیغ پیامبر هدر خواهد رفت: (وان لم تفعل فما بلغت رسالته).
- ۳- هیچ مشکلی نمی‌تواند مانع معرفی امام باشد: (والله يعصمک من الناس).
- ۴- امام و رهبری دژ پولادینی است که جلوی نفوذ و طمع بیگانگان را نسبت به امت اسلامی می‌گیرد: (الیوم یئس الذین کفروا من دینکم).
- ۵- قدر ناشناسی و کفران نعمت امام عذاب خداوندی را بدنبال دارد: (واخشون)
- ۶- دین خدا با امامت به کمال نهایی خود میرسد: (الیوم اکلمت لکم دینکم)
- ۷- ارزشمندترین نعمتها برای جامعه، نعمت رهبری است: (و اتممت علیکم نعمتی).
- ۸- با تعیین امام و حرکت جامعه بر محور امامت خشنودی و رضایت خداوند فراهم می‌گردد: (ورضیت لکم الاسلام دینا)

تشیع و مدیریت

در بینش شیعی، ضرورت مدیریت را باید در امامت جستجو کرد زیرا امامت از نظر شیعه بعنوان یک اصل اعتقادی چیزی جز مدیریت جامع و کامل نیست که از جانب خداوند برای رهبری و هدایت امت تعیین می شود:

«الْإِمَامَةُ، رِيَاسَةٌ عَامَّةٌ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا»^۱

امامت ریاستی است عمومی، در امور دین و دنیا

البته باید توجه داشت که ما، در این مبحث نمی خواهیم امامتی را که شیعه معتقد است در سطح یک مدیریت ساده اجتماعی تنزل بدهیم بلکه امامت در بینش تشیع از مدیریت و رهبری اجتماع برتر و بالاتر است امام با عصمتی که دارد وصی پیامبر و مرجع اعتقادی، فکری و دینی مردم می باشد و گفتار و رفتار و تقریرش مفسر احکام دین و حجت و دلیل برای امت است، چنین شخصیتی با این خصوصیات که از طرف خداوند منصوب می شود دارای درجات و مقاماتی است که بخاطر والایها و عظمتشان واسطه فیض در جهان خلقت می گردد، به طوریکه اگر این محور نباشد نظام خلقت دچار اخلال می شود.

۱- الحیاه ج ۲ ۳۶۵؛ تألیف محمدرضا، محمد، علی حکیمی، ترجمه احمد آرام. انتشارات دفتر نشر فرهنگی اسلامی، چاپ سوم سال ۱۳۶۸

ابی حمزه می‌گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا زمین بدون «امام» باقی می‌ماند؟ آنحضرت در پاسخ فرمود:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»^۱

هرگاه زمین بدون «امام» باشد درهم فرو ریزد (نظمش از هم بپاشد)

بنابراین، شجره طیبه امام ریشه در زمین وحی دارد، با آب عصمت مشروب می‌گردد و از نور نبوت تغذیه می‌کند، شاخه‌های سرسبزشان بر سر امت اسلامی و جامعه بشری سایه می‌افکند. و مدیریت یکی از شاخه‌های این درخت تناور است.

سخن در این نیست که امامت را در مدیریت اجتماعی تنزل بدهیم تا همان سخنان اهل تسنن در ذهنها زنده شود، بلکه سخن در این است که مدیریت اجتماعی را ارتقاء بدهیم یعنی در بینش شیعی مدیریت امت، از آنچنان موقعیتی بر خوردار است که باید آنرا در حریم پاک امامت جستجو کرد.

در نظام اداری و اجتماعی اسلامی مدیریتها از امام ریشه می‌گیرند، چنانکه حضرت رضا(ع) امامت را اساس اسلام زنده می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَةَ أَسُّ الْإِسْلَامِ النَّامِيَّةِ»

^۱ - اصول کافی، مؤلف شیخ کلینی؛ ترجمه سید جواد مصطفوی، جلد ۱ صفحه ۲۵۲. انتشارات علمیه اسلامیة

مشروعیت مدیریت در جامعه باین دلیل است که با امامت پیوند دارد و هرگاه این رابطه قطع گردد کلیه حرکتها مشروعیت و خاصیت خود را ازدست می دهند و در این مورد حضرت رضاع) می فرمایند:

«بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ
وَتَوْفِيرُ الْفَيْءِ وَالصَّدَقَاتِ وَامْضَاءُ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَ
مَنْعُ الثُّغُورِ وَالْأَطْرَافِ»^۱

بوسیله امام نماز و زکات و روزه و حج و جهاد تمام، و خراج و صدقات افزون و حدود و احکام اجرا، و مرزها و مناطق حفظ می شوند.

اگر کسی چنین رابطه ای نداشته باشد نه تنها اعمال او تمام و کامل نیست بلکه خود از حوزه اسلام خارج است هرچند با نام مسلمانان در جامعه اسلامی باشد.

«قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ»^۲

پیامبر اسلام فرموده: کسیکه بدون امام بمیرد مرگش، مرگ جاهلیت است.

^۱ - تحف العقول ص ۴۳۸؛ تألیف شیخ ابومحمدالحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحیرانی

معروف به ابن شعبه، قرن چهارم قمری

^۲ - بحار الانوار مجلسی ج ۸ ص ۱۲

بنابر اعتقاد شیعه نظام امامت بصورت جریانی قطع ناشدنی در هر زمان و شرایطی ثابت و پابرجا است، منتهی این امام است گاهی ظاهر و مشهود و گاهی غایب و مستور است و در زمان غیبت امام معصوم ولی فقیه بر مسند امام می‌نشیند و بعنوان نیابت از امام مجاری امور و احکام را بدست می‌گیرد و اعتبار ولایت فقیه در مدیریت و رهبری جامعه به این جهت است که نیابت از امام دارد.

تشیع ضرورت مدیریت را تا آن حد می‌داند که می‌گوید قبل از اینکه بکاری دست بزنند برای خود مدیر را برگزینید تا در پناه نظم و هماهنگی سریعتر به هدف برسید.

«قَالَ عَلِيٌّ (ع): الْوَجِبُ فِي حُكْمِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ...
أَنْ لَا يَعْمَلُوا عَمَلًا وَلَا يُقَدِّمُوا يَدًا وَرَجُلًا، قَبْلَ أَنْ يَخْتَارُوا
لِأَنْفُسِهِمْ إِمَامًا، عَقِيفًا عَالِمًا، وَرِعًا بِالْقَضَاءِ وَالسُّنَّةِ يَجِبِي
فِيهِمْ، وَيُقِيمُ حُجَّتَهُمْ وَجُمُعَتَهُمْ وَيَجِبِي صَدَقَاتِهِمْ...»^۱

حضرت علی(ع) فرمود: طبق فرمان خداوند و تاکید اسلام بر مسلمان واجب شده است که هیچ کاری را انجام نمی‌دهند و دست و قدمی بجلو حرکت نمی‌دهند پیش از اینکه رهبر و مدیری را برای خویش برگزینند که

^۱ - بحارالانوار مجلسی ج ۸۹ ص ۱۹۶

دارای صفاتی چون عفت و آگاهی و پرهیزکاری و عالم به احکام قضاوت و سنت رسول خدا(ص) باشد، خراج را جمع آوری کند و مراسم حج و جمعه را آقامه نماید و صدقات و مالیات را گرد آورد.

یکی از فقها بزرگ و یاران نزدیک حضرت رضاع) فضل بن شاذان نیشابوری است، اومی گوید من از علی بن موسی الرضاع) در مورد ضرورت مدیریت شنیدم که می فرمود:

«أَنَا لَأَنْجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرْقِ وَ لَا مَلَّةً مِنَ الْمَلَلِ بَقَوْا وَ
عَاشُوا إِلَّا بِقِيمٍ وَ رَيْسٍ لِمَا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ
الدُّنْيَا»^۱

در مطالعه احوال بشر هیچ گروه و ملتی را نمی یابیم که در زندگی موفق و پایدار باشد مگر بوجود مدیر و سرپرستی که امور مادی و معنوی آن را مدیریت نماید.

باید توجه داشت جنگهای فراوانی که بر سر مدیریت جامعه در طول تاریخ بشر بوقوع پیوسته، نه به خاطر این بوده است که مدیریت و سرپرستی را نفی می کردند بلکه به این جهت می جنگیدند که خود را شایسته تر برای مدیریت و رهبری می دانستند، در مواقع جنگ بشر، بر سر اشغال منصب مدیریت، جنگ بر سر اصل معیارها

^۱ - بحارالانوار مجلسی ج ۲۳ ص ۳۲

بوده است، نه بر سر اصل مدیریت، چون اصل مدیریت، اصل طبیعی در زندگی اجتماعی است چنانکه حضرت علی(ع) در پاسخ گروه منحرف خوارج که می‌گفتند: «لا حکم الا لله» حکومت و مدیریت اجتماع بشر، از آن خداوند است، می‌فرمود:

«كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ نَعَمْ أَنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ وَلَا كُنَّ هَؤُلَاءِ يَقُولُونَ: لَا أَمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ. وَأَنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ.»^۱

خوارج به ظاهر سخنی بحق می‌گویند اما آنان از این سخن اراده باطل دارند بله، «حکم» یعنی قانون و نظامات حیاتی بشر و حق قانونگزاری از آن خداوند است ولی اینان «حکم» را به معنی حکومت و مدیریت می‌گیرند و می‌گویند غیر از خدا کسی نباید مدیر و امیر باشد و حال آنکه مردم نیاز به حاکم و مدیر خواه آن مدیر نیکوکار و خواه بدکار باشد.

حضرت علی(ع) می‌خواهد در این سخن به اصل ضروری و طبیعی مدیریت گوشزد کند که اجتماع بدون مدیر هرگز نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد مدیر خوب یا بد، بالاخره مدیریت ضرورت زندگی اجتماعی است و دیگر این افراد اجتماع هستند که انتخاب می‌کنند زشت را یا زیبا را.

^۱ - نهج البلاغه فیض الاسلام خطبه ۴۰

در نظر اسلام جامعه بشری بدون داشتن مدیر و هماهنگ کننده ای آگاه هرگز قادر به ایستادن بر روی پای خود نیست.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثِهِ يَفْزَعُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ، فَإِنْ عَدَمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا: فَقِيهٌ عَالِمٌ وَرِعٌ وَ أَمِيرٌ خَيْرٌ مُطَاعٌ وَ طَبِيبٌ بَصِيرٌ ثَقَةٌ»^۱

امام صادق(ع) فرمود: مردم هر اجتماعی از سه گروه بی نیاز نیستند، تا امور دنیا و آخرت خود را بوسیله آن سه دسته انجام دهند و هرگاه اجتماع فاقد آن سه گروه باشد افراد آن جامعه بصورت حیوانات ضعیفی در خواهند آمد:

- ۱- فقیهی آگاه و پرهیز کار
- ۲- مدیریت خیر خواه و مسلط
- ۳- پزشکی بینا در کار و مورد اعتماد

بزرگان اندیشمند و اندیشمندان نکته سنج، مدیریت را ضرورت زندگی بشری دانسته اند و گفته اند: «مملکت با سخاوت فراوانی

^۱ - تحف العقول ص ۳۲۱

می‌یابد با عدل آبادان می‌گردد، و با خرد ثبات می‌یابد و با شجاعت نگاهداری می‌شود با ریاست می‌چرخد.^۱

از دیدگاه اسلام ضرورت مدیریت تا آنجاست که اگر گروهی قصد مسافرت داشته باشند، در حالیکه تعدادشان از سه نفر بیشتر باشد باید یکی از آن سه نفر را به عنوان مدیر برگزینند تا روح نظم و انضباط را بر اجتماع خود حاکم گردانند و کارها در پناه نظارت و هماهنگی مدیر نتیجه مطلوب را بدست آورد.

«قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا كَانَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَلْيُؤَمِّرُوا أَحَدَهُمْ»^۲

پیامبر «ص» فرمودند: هرگاه در مسافرت تعداد مسافران به سه نفر رسید باید یکی از آنها مدیریت گروه را مسئول شود.

آیا می‌شود خداوندی که پروردگار این جهان است و در کتاب مقدسش ضرورت امامت و رهبری را در آیات متعدد بیان فرموده راه روش این امر خطیر را بیان ننماید حتما پاسخ منفی است بلکه این ما هستیم که باید از این کتاب الهی و از سیره معصومین این امر را بیابیم و فراراه زندگی خود قرار دهیم.

^۱ - تاریخ فخری ص ۶۷؛ تألیف ابن طقطقی، انتشارات علمی، و فرهنگی ۱۳۸۴

^۲ - کنز العمال ج ۶ ص ۷۱۷ ح ۱۷۵۵۰؛ تألیف علی‌علاء‌الدین متقی هندی، انتشارات بیروت
موسسه الرساله

بخش سوم

قرآن تجلی طرح و
برنامه الهی

زندگی انسان (از خلقت تا بهشت یا جهنم)

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ
مِنْ أَنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ
عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ^۱

(سوره ۹ فاطر آیه ۱۱)

خدا شما نوع بشر را نخست از خاک بیافرید و سپس از نطفه خلق کرده و بعد از آن شما را جفت قرار داد و آنچه زنان بار گیرند و بزایند جز به علم و اراده او نخواهد بود و کسی عمر طولانی نکند یا از عمرش نکاهد جز آنکه همه در کتاب (علم از لی حق) ثبت است و این بر خدا آسان است.

بر اساس تحقیق زیست‌شناسان مغز انسان قدرت ۱۲۵ میلیون میلیارد مدار ضبط را داراست. این قسمت از بدن انسان که فوق همه ی رایانه و میکروپروسورها است از اثر ماده خاکستری مغز نشأت می‌گیرد، در این میدان نرم افزار که هرگز به عمق و وسعت آن کسی پی نبرده است، اندیشه آدمی، با تموج و خلاقیت خود همه ی رایانه ها و میکروپروسورها و روبات‌ها را اختراع کرد، حال این آفریننده خود

^۱ - قرآن مجید ترجمه استاد الهی قمشه ای - ناشر موسسه انتشارات حجت. خط عثمان طاها چاپ سوم پ ۴۳ ه-ق

آفریده و مخلوق خالق است که احسن الخالقین است و باید در مقابل آفرینش او سر تعظیم فرود آورد.

هر چند انسان توانسته است که با ساختن مغز های الکترونیکی سرعت محاسبه را به یک میلیاردیم ثانیه کاهش بدهد، سرعتی که می رود تا اندک اندک با سرعت نور برابری کند. ولی از زبان ابن سینا باید گفت:

دل گر چه در این بادیه بسیار شتافت

یک موی ندانست ولی موی شکافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت

آخر به کمال ذره ای راه نیافت

خالق قادر متعال هستی که انسان را با اندیشه های خلاق و قدرت شگفتش از گل و لای و خاکی شبیه خاک کوزه گری آفرید^۱، در پیام آسمانی اش بعد از کلمه الله که ۲۷۰۰ بار تکرار شده، کلمه رب را بیش از هزار بار بیان فرموده که در کتاب لغت به معنای مدیر، مالک، مربی منعم و قییم آمده است.

^۱ - وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ (سوره حجره آیه ۲۶) - وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ (المومنون آیه ۲۳)

از دیدگاه جهان بینی توحیدی مجموع عالم ، یک واحد ، سازمان، تشکیلات و مجموعه ی یک نظام منسجم است که دارای اجزا تشکیل دهنده زیادی است(سیستم های جز یا خرده نظام) که هر کدام از این اجزا نقشی را در اداره عالم عهده دار بوده و تمامی تحت رهبری و حاکمیت خداوند لایزال قرار دارند. موجودات جهان هر کدام جزء کوچکی از این سازمان بزرگ هستند و هرگز نمی توانند از نظام حاکم بر جهان پیروی نکنند و بی حساب و کتاب عمل نمایند، تمام فرمان های الهی، دال بر نظم و ترتیب و بیانگر مدیریت حساب شده در آفرینش است. خداوند منان نخست عالم کبیر را آفرید (آفاق) و سپس شاهکار خلقت یعنی انسان (عالم صغیر) را آفرید و چنان اراده کرد که آدمی را خلیفه خود در زمین قرار دهد.

اگر صرفاً در تمامی هستی یک نگاه حتی نه عمیق بلکه از روی تدبیر کلی به انسان این گل سرسبد آفرینش بیاندازیم در می یابیم که انسان خود یک نظام کل (مجموعه و سیستم) است و در عین حال دارای نظام های جز و پیرو، وجود انسان در تئوری سیستم ها، نمونه یک نظام تشکیلاتی کامل صنعتی و عالی ترین تجلی سازمان دهی است. در تن و جان آدمی هم چون یک سازمان صنعتی معظم، تصمیم گیری، برنامه ریزی و کنترل، هماهنگی، تولید، مصرف، ضایعات، بازده و ... وجود دارند، اگر این نگاه را به همه موجودات و سپس به همه هستی بیافکنیم به

همین نتیجه می‌رسیم، ولی فضیلت انسان بر همه تشکیلات صنعتی و سایر موجودات بر پایه جان الهی اوست که او را اشرف مخلوقات نموده است.^۱

از یک طرف در می‌یابیم که تمامی هستی بر اساس برنامه‌ای علمی و دقیق از قبل طراحی شده ایجاد (حدوث) و همینطور بر اساس برنامه‌ای دقیق و حساب شده میسر خود را طی می‌کند(بقا) و تمامی هستی کتاب است برای اینکه انسان آن را بخواند و فراگیرد و طبق برنامه هستی پیش برود.

عاشق شو و نه روزی کار جهان سرآید

نا خوانده نقش مقصود ار کارگاه هستی(حافظ)

در آیات ۳۰ الی ۳۷ سوره بقره(و اذقال ربک...) خداوند داستان خلقت انسان را بیان داشته‌اند و در این بیان سرگذشت خلقت انسان یادآور شده‌اند که پروردگار به ملائک فرمودند من خلیفه‌ای(جانشین) بر روی زمین خواهم گذاشت، با توجه به این آیات می‌توان گفت هدف از آفرینش انسان این است که این موجود جانشین خداوند بر روی زمین باشد، (گر چه هدف غائی از خلقت انسان وصول به مقام قرب الهی است و خلیفه

^۱- اثین مدیریت، نگارش حسام الدین بیان، ناشر: مرکز آموزش مدیریت دولتی چاپ اول

پروردگارشدن هدف واسط است). اگر ما جانشین خداوند هستیم، که به این منظور آفریده شده ایم باید خدایی عمل کنیم و در اعمالمان برنامه، دقت، نظم، علم و حکمت و مدیریت الهی باشد.

در اینجا یک نکته اساسی را یادآور می‌شویم. چون نظام خلقت براساس تضاد نیست و بر اساس علم و حکمت، عدل، نظم و هدفمندی است و مدیری حکیم، عالم، قادر مطلق بر آن حکمرانی می‌کند لذا نمی‌توان در یک نظام این‌گونه‌ای بدون برنامه و از روی تضاد وصول به هدفی را تصور نمود زیرا در یک سیستم دقیق علمی و تحت مدیریت خالق تمام هستی که پروردگار هستی است رخداد تضادفی ممکن نیست و آنچه را ما شانس و تضاد می‌نامیم، پدیده‌هاییست که یا هنوز به دلایل و فلسفه تقدیر آنها عالم نیستیم و یا از روی تساهل چنین عناوینی به آنها می‌دهیم و گرنه در حدوث و در بقاء هر ذره‌ای در جهان هستی بر اساس آنچه که مقدر شده (برنامه ریزی شده است) عمل می‌کند.

آیه‌ای که در مطلع بحث ارائه گردید (آیه ۱۱ سوره فاطر) بیانگر این است که تحقق هر امری در عالم صغیر (انسان) بر اساس علم و اراده حضرت حق جل جلاله و بر اساس برنامه مدون ثبت شده است و البته در پایان آیه اشاره بر این فرمودند که این امر بر خدا آسان است، شاید کنایه از این باشد که چنین امری بر غیر خدا آسان نیست و طبعا هیچ موجودی از جمله انسان که برترین

مخلوق خداوند است نیز بر این امر قادر نیست که برنامه و طرحی چنان دقیق و بدون خطا تدوین نماید پس باید چه کرد؟

جواب یک جمله است: به آنچه که خداوند فرموده و بر اساس طرح و برنامه ریزی که او تنظیم کرده و پیامبر و جانشینان ائمه اطهار(ع) بیان داشته اند عمل کنیم یعنی به طرح و برنامه عالی عمل کنیم(به امر درست عمل کنیم). حال به این برنامه چگونه عمل کنیم؟ پاسخ یک جمله است: همانطور که خداوند فرمود، و پیامبر(ص) و جانشینانش ائمه هدی(ع) عمل کردند باید عمل کنیم(درست عمل کنیم) یعنی کار درست انجام دهیم و انرا نیز درست انجام دهیم(تعریفی که از برنامه جامع و برنامه عملیاتی که در صفحه ۹ بیان گردید).

در آیات ۳۰ الی ۳۷ سوره بقره که قبلا آوردیم خداوند: در داستان خلقت آدم یک طرح کلی یا راهنمای طرحریزی را که هدف از خلقت انسان را گماردن او به عنوان جانشین مقرر داشته بیان فرموده و با روح آیات خود و ترتیب و مراحل خلقت لزوم تدوین طرح و برناه را هم به جانشین خود می آموزند.

آیه ۱۱ سوره فاطر که در ابتدای بحث آورده شد به چند مرحله از مراحل خلقت بشر(ابتدا از خاک خلق گردید سپس از نطفه و بعد نرو و ماده قرار داده شد و مذکر و مؤنث بودن او در شکم مادر و طول عمر او در کتاب ثبت است) اشاره دارد آیاتی

دیگر نیز رد همین خصوص (مراحل خلقت انسان) به عنوان شاهد وجود برنامه در خلقت انسان می‌آوریم.

در آیات ۱۲ الی ۱۶ سوره مومنین (لقد خلقنا الانسان...) خداوند می‌فرماید:

ما انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم. سپس او را نطفه ای در قرار گاهی مطمئن (رحم مادر) قرار دادیم و پس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده) و مضغه را به صورت استخوانهایی در آوریم و بر استخوانها گوشت پوشاندیم. سپس آن را آفرینش تازه ای دادیم و پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است! سپس شما بعد از آن می‌میرید. سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید. دقت فرمائید در این آیات نیز مراحلی از خلقت انسان بیان گردیده ، همینطور مرگ را نیز به عنوان یک مرحله دیگر در برنامه انسان متذکر گردیده و سپس زنده شدن انسان در قیامت نیز به عنوان مرحله ای دیگر از حیات او بیان شده.

در آیه ۱۵ سوره احقاف (و وصینا الانسان...) می‌فرماید: ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر سفارش کردیم (یاد کند) که مادر با رنج و زحمت بار حمل کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل کرد و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری بود، تا وقتی که طفل به حد رشد رسید و آدمی چهل ساله گشت (عقل و کمال یافت) آنگاه سزد عرض کند خدایا

مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آنست موفق بدار و فرزندان مرا صالح گردان بارالها من به درگاه تو باز آمدم و از تسلیم شدگان تو هستم.

در این آیات نیز مرحله‌ای دیگر از خلقت انسان را با زمان (۳۰) ماه بارداری و شیرخوارگی) عنوان نموده و همین‌طور مرحله بلوغ و رشد کامل عقلی را در چهل سالگی بیان داشته و ضمن آن یک برنامه عملیاتی برای انسان فرا راه قرار داده و آن فراگیری شکر از پروردگار و درخواست توفیق عمل صالح است.

و در آیه ۱۴ سوره لقمان (و وصینا الانسان...) شیر خوارگی بچه را به مدت دو سال بیان فرموده آیات دیگری در خصوص خلقت انسان و مراحل مختلف آن وجود دارد که جهت پرهیز از طولانی شدن بحث به همین تعداد آیاتی که ذکر شد اکتفا می‌نماییم.

طرح و برنامه در خلقت آسمان‌ها و زمین

در اینجا نکاتی در رابطه خلقت زمین و آسمان با انسان را یادآور می‌شویم، مجدد به آیات ۳۰ الی ۳۷ سوره بقره (داستان خلقت) باز می‌گردیم آنجا که خداوند می‌فرماید: بر روی زمین خلیفه‌ای می‌گمارم. به استناد کلیه تفاسیر و هم به استناد ترتیب آیات مربوط به آفرینش موجودات، بحث خلقت آدم به عنوان جانشین حضرت حق بر روی زمین بیانگر این امر است که زمین و همین‌طور سایر شرایط مناسب برای حیات انسان بر روی آن بایستی قبل از آفرینش او خلق شده باشد، این هم خود مراحل

خلقت را که همراه با علم و حکمت است بیان می‌دارد(مرحله اول خلقت زمین مرحله بعد خلقت انسان).

به چند آیه نیز به عنوان وجود مرحله(زمان‌دار) در خلقت آسمان و زمین اشاره می‌کنیم:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ ...
(آیه ۷ سوره هود)

در این آیه شریف خداوند می‌فرماید: او خداست که آسمان و زمین را در فاصله شش روز آفرید و...

در این آیه پروردگار به خلقت آسمان و زمین در مدت ۶ روز (مرحله) تأکید فرموده‌اند در آیه ۹ سوره فصلت پروردگار بزرگ چنین می‌فرماید: ای رسول مشرکان را بگو که شما به خدا که زمین را در دو روز آفرید کافر می‌شوید.

در آیه ۱۰ سوره فصلت خداوند فرموده است که آفرینش قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز معین و مقدر کردیم.

در آیه ۱۲ سوره فصلت آنگاه هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود... و این نظام آسمان و زمین تقدیر(اندازه‌گیری شده) خدای مقتدر دانا است.

به مدت زمان خلقت آسمان و اندازه‌گیری از روی قدرت و علم خدا در نظم آسمان و زمین در این آیه توجه فرمایند.

آیه ۲۹ سوره بقره پروردگار منان فرموده‌اند که: خداوند همه موجودات زمین را برای شما خلق کرده، پس از آن به خلقت آسمان پرداخت و هفت آسمان را بر فراز یکدیگر برافراشت و او بر همه چیز دانا است.

همان‌طور که در مقدمه ذکر گردید خداوند در آیه ۷۵ سوره نمل فرموده است، هیچ امری در آسمان و زمین پنهان نیست جز این که در کتاب (علم الهی آشکار است) یعنی نه امور آشکار حتی اموری که از دید ما مخفی است یا نمی‌دانیم در کتاب خدا ثبت است یا این که همه چیز ثبت است.

همین‌طور در مقدمه آیه ۳۶ سوره توبه را متذکر شدیم که خداوند در این آیه تعداد ماه‌های سال و ماه‌های حرام را بر شمرده است و فرموده‌اند ماه‌ها نزد خداوند (که منظور ثبت شده نزد خداوند) است.

در آیه ۵ سوره یونس (هو الذی جعل الشمس...) حضرت حق فرموده‌اند او کسی است که خورشید را روشنایی، ماه را نور قرار داد و برای آن منزلگاهی مقدر کرد تا عدد سال‌ها و حساب (کارها) را بداند؛ خداوند این را به جز حق نیافریده و آیات خود را برای گروهی که اهل دانش‌اند شرح می‌دهد.

نکات ظریفی در این آیه شریفه هست از قبیل این که خورشید روشنایی و ماه نور دارد که موضوع بحث ما نیست و به آن‌ها نمی‌پردازیم، ولی دو نکته ظریف است که مناسب است بیان داریم

چون به بحث ما مربوط است یکی مقدّر که معنی آن، از قبل مشخص شده و برنامه ریزی شده است و چون خداوند اراده کرده که عدد سال‌ها و حساب کارها با تقدیر حرکت ماه روشن شود پس باید این منزلگاه‌ها بر اساس نظم دقیق و به موقع تحقق یابد و نکته دیگر بحق آفریدن این امر که می‌تواند امر دقیق در سیر منازل یا تبیین حساب و کتاب باشد که اگر چنین باشد نشان دهنده این است که ایجاد و تدوین برنامه حق و ضروری است و اهل دانش به آن پی می‌برند.

از این قبیل آیات که خداوند حکیم به وجود آمدن امری از پدیده‌های خلقت را با زمان بیان داشته‌اند و یا فرا رسیدن امری را در آینده با زمان مشخص نموده و یا پدیده‌ها را برای ایجاد زمان نام برده باشند فراوان یافت می‌شود که اهل تحقیق می‌توانند در بحث آفرینش هستی و آیات مربوطه خلقت این نظام در کشف الایات و یا در تفصیل الایات قرآن کریم آن‌ها را احصاء نمایند و برای بحث ما همین تعداد آیات که آورده شده جهت گواه بحث کافی است.

از طرفی ما آیاتی را در قرآن کریم به ویژه در مورد قیامت، ورود اهل بهشت به بهشت و اهل جهنم به دوزخ و روز پایان جهان ماده، فرا رسیدن مرگ پدیده‌ها و انسان، مدت زمان عالم برزخ، زمان روز حساب و کتاب معاد مشاهده می‌کنیم که حضرت حق جل جلاله زمان این امور را مشخص فرموده‌اند و یا در

مواردی با تمثیل بیان داشته‌اند و یا در مواردی مناسب با دید و فهم بشر بیان داشته‌اند که در هر حال این تمثیلات در مواردی نشان از طولانی بودن زمان و در جاهایی نشان از کوتاهی زمان است نکته جالب و دقیق و ظریف این است که این‌گونه امور غالباً مربوط به زمان مرگ به بعد است و متوجه هدف نهایی که عمر جاودان و برگشت به سوی باری تعالی است می‌باشد، می‌شود گفت، که در این امور حضرتش طرح کلی مسیر خلقت انسان را

گاه از زمان خلقت آدم و در موردی حتی قبل از خلقت حضرت آدم بیان فرموده‌اند مثل آیه شریفه:

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ...

(زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آن‌ها را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند؛ آری گواهی می‌دهیم، (چنین کردار مبادا) روز رستاخیز بگوئید ما از این غافل بودیم. سوره اعراف آیه ۱۷۲)

عرف نظر از دیدگاه‌های مختلف در مورد این عالم(عالم ذر) که قبل از خلقت حضرت آدم ذریه‌اش از گل حضرت آدم(یعنی ذرات خاک و گلی که آدم از آن آفریده شد) به حضور حضرت حق احضار و سوال شدند و یا بعد از خلقت حضرت آدم از پشت او بیرون آورده شدند و یا تفسیری که زمان خلقت هر فرد از استعدادهای فطری او

این سوال به عمل آمده^۱، از دید مدیریتی یک برداشت کلی می‌توانیم داشته باشیم که: قبل از حضور شخص ما در پهنه هستی مادی هدف خلقت که شناخت و بندگی پروردگار است و این‌که ما از او هستیم و آخرین گام ما به جهان دیگر (سرای آخرت) و این مسیر از اویی و به سوی اویی همچون آیه شریفه انا لله و انا الیه راجعون چون یک طرح به ما ارائه شده است یعنی ما نقطه شروع زندگی خودمان را درک کرده و نقطه نهایی یا هدف غائی خود را نیز دریافته‌ایم و طرح مسیر هم به ما ارائه شده است و برنامه زندگی ما هم مدون گردیده یعنی طرح استراتژیک و برنامه استراتژیک ما تنظیم و ارائه گردیده حال باید بر اساس برنامه عملیاتی اقدام نمائیم.

خداوند در آیه‌ای فرموده‌اند، و ما خلقنا السماء والارض و ما بینهما لا عین - ما آسمان و زمین و آنچه را بین این دو است از روی بازی نیافریدیم (سوره انبیاء آیه ۱۶) البته مشابه این آیه، آیات دیگری نیز هست که بیهوده نیافریده‌ایم، بی هدف نیافریده‌ایم... و یا در سوره الذاریات آیه ۵۶ (و ما خلقت الجن...) فرموده‌اند: من جن و انس را نیافریدم جز این‌که عبادتم کنند و همین‌طور در آیه ۸۵ سوره الحجر (و ما خلقنا السموات) فرموده‌اند؛ ما آسمان‌ها و زمین را و آنچه را میان آن دو است، جز به حق نیافریدیم و ساعت موعود (قیامت) قطعاً فرا خواهد رسید...

^۱ - تفسیر نمونه - آیت‌الله مکارم شیرازی - جلد هفتم انتشارات دارالکتاب اسلامی چاپ سال

با عنایت به این آیات در طرح زندگی ما شروع کارمان از قبل از خلقت، مسیرمان یعنی بندگی پروردگار و نهایت کارمان ساعت موعود ارائه گردیده و همه اینها بر اساس حق است - برای طولانی نشدن کلام صرفاً به چند آیه برای هدف غائی که قرب الهی است را فقط یادآور می‌شوم، در سوره‌ها و آیاتی که بحث از خلقت جهان بشر است و در آیات و سوره‌هایی که بحث پایان جهان مادی است مثل سوره قیامت و آنجاها که توصیف قیامت و بهشت و جهنم است مثل سوره واقعه و در آیاتی که نشاط و سرور اصحاب بهشت مثل سوره نباء و سوره انسان، یا آیاتی که از سختی و عذاب اهل جهنم بحث می‌شود پروردگار بزرگ طرح استراتژیک زندگی انسانی را برای بشر تبیین فرموده‌اند که برای پرهیز از طولانی شدن بحث، بررسی در این موارد را به شما واگذار می‌نماییم.

نقشه راه (طرح) و برنامه انسان برای عمل

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ اُنْكُ كَادِحٍ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ

(سوره انشقاق آیه ۶)

ای انسان تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات می‌کنی.

با عنایت به این آیه مسیر ما روشن است، راهی به سوی پروردگار، نهایت این راه ملاقات حضرت حق است در آیات ۲۶ الی

پایان سوره فجر(یا آیتها النفس المطمئنه...) می‌فرماید ای روح مطمئن و آرام یافته به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او از تو خشنود است و در سلک بندگان من و در بهشت خاص خودم وارد شو.

آری هدف غائی خلقت انسان ملاقات خداست همه انسان‌ها به ملاقات او نائل می‌شوند لیکن آن‌ها که مسیر را با ایمان و عمل صالح طی کرده‌اند با جلوه رحمانی حق تعالی مواجه شده و در رضوان الهی در جوار قرب حق سکنی می‌گزینند و آنان که مسیر ظلمانی را و با اعمال طالح طی کرده‌اند جلوه غضب و خشم خدا را ملاقات کرده و در دوزخ جای می‌گیرند.

پس نهایت کار یا هدف طرح هدایت الهی هم روشن شد که قرب الهی است.

قبلاً گفتیم طرح یعنی نقشه‌ای که ما را از طریق مسیری به هدف راهنمایی کند، در این طرح شروع یا مبداء را گفتیم(از او) مقصد را هم گفتیم(قرب او) حال می‌ماند مسیر یا راه.

مسیر یا راه را هم در قرآن کریم می‌توانیم در ابتدای قرآن و در سوره حمد بیابیم.

۱- شاهراه صراط مستقیم

۲- راه مغضوب علیهم

۳- راه والضالین

مسیر هم بیان شده که یکی از سه راه بالاست که شاهراه صراط مستقیم از انسان خلیفه الله می سازد و نهایت کار این انسان خلیفه الله، قرب الهی و بهشت پروردگار است، این همان طرح است، این همان طرح است که مبداء ما، مسیر ما، مقصد و هدف ما را بیان داشته و البته خداوند ابزار طی این مسیر را هم ایمان و عمل صالح (اجرای اوامر و پرهیز از نواهی حق) بیان داشته است و برای آنانی که این مسیر و این هدف را انتخاب نکنند در مقابلشان یک طرح دیگر باقی می ماند: مبداء حرکت آنها از خداست ولی اگر مسیر مغضوب علیهم و یا و الضالین را انتخاب نمایند. ابزارشان کفر و شرک و نفاق و عمل طالح و نهایت خشم خدا را ملاقات کرده و در دوزخ جای می گیرند پس دو طرح کلی برای زندگی بشر ارائه شده است.

طرح سعادت یا قرب الهی

طرح شقاوت یا عذاب الهی

برای هر کدام از این دو طرح جامع برنامه های جامع ارائه گردیده و برای هر کدام نیز برنامه عملیاتی ارائه شده البته در خصوص طرح شقاوت و برنامه جامع آن و برنامه عملیاتی آن چون منظور حضرت حق بر این راه نبوده بلکه خواست الهی دوری از شقاوت و هدایت انسان ها به سعادت بوده لذا با مثال هایی از زندگی افراد و اقوام شقی و در بطن این زندگی نامه ها طرح و برنامه آنان را بیان فرموده اند و همین طور طرح و برنامه شیطان را

برای شقاوت انسان تبیین فرموده ولی در خصوص طرح برنامه سعادت انسان می‌توان گفت همه قرآن مجید به آن تعلق دارد. حال چیزی که ما برای طی این مسیر(صراط مستقیم) نیاز داریم برنامه عملیاتی است.

خداوند کریم در قرآن مجید این کتاب انسان‌سازی اوامری به ما فرموده‌اند، اعمالی را بر ما واجب نموده‌اند و ما را از اعمالی نهی کرده‌اند، این‌ها همان برنامه‌های عملیاتی یا اجرایی است اگر به آیات مربوط به عبادت مثل روزه، نماز، حج... مراجعه کنیم به خوبی درمی‌یابیم که این دستورات همراه با زمان است از چه لحظه‌ای تا چه لحظه‌ای نماز ظهر بخوانیم و یا دیگر نمازها را رو به سوی کجا نماز بخوانیم، از چه زمان ماه روزه را آغاز کنیم و چند روز و هر روز از چه لحظه‌ای و تا چه زمانی روزه داشته باشیم در مدت روزه داری چه کار انجام دهیم و چه کار انجام ندهیم.

مکان و زمان دقیق حج و اعمال آن و زمان هر عمل را بیان داشته، چگونه برای جهاد آماده شویم و چگونه بجنگیم، کی بجنگیم، چه زمان بجنگیم، دشمنان ما چه کسانی هستند از چه چیز انفاق کنیم و چه مقدار انفاق کنیم.

چگونه امر معروف و نهی از منکر نماییم.

سن تکلیف چه زمانی است

تا چه زمانی توبه پذیرفته می‌شود

چگونه امانت داری نماییم.

چگونه ازدواج نماییم، انواع و زمان‌های ازدواج و طلاق
چیست...

ارث را چگونه تقسیم کنیم

چگونه و چگونه...

این‌ها تماماً برنامه‌های عملیاتی زندگی ماست

نکته مهم این است که همه این امور برای رسیدن به هدف

قرب الهی است یعنی این برنامه‌های عملیاتی در چهارچوب برنامه

جامع خلقت و در مسیر طرح جامعی است که ما را به قرب

حضرت حق نائل می‌نماید.

البته همان‌طور که قبلاً گفتیم چون قرآن و عترت از هم جدا
شدنی نیستند و ائمه اطهار(ع) الگوی عملی در عمل به قرآن و
بیانگر احکام الهی و مفسر قرآن هستند جزئیات برنامه عملیاتی
توسط این بزرگواران و در سیره آنان تبیین گردیده است.

در این‌جا به فرمان حکومتی حضرت علی علیه السلام به مالک
اشتر این فرمانده و صحابه بی‌بدیل امیر مؤمنان(ع)، وقتی که به
حکومت مصر منصوب شده بود به صورت اجمال اشاره‌ای می‌نماییم.

قسمتهایی از این فرمان در حقیقت یک راهنمای طرح ریزی، و
قسمتهایی از آن یک طرح جامع و قسمت‌هایی از این فرمان یک
برنامه جامع و مواردی هم برنامه عملیاتی است که با مراجعه به

فهرست موضوعات این فرمان و تقسیم‌بندی اجزاء آن می‌توان این موارد را استخراج نمود و دسته‌بندی مناسب ارائه داد. چنانچه اصول اساسی و خطوط کلی این فرمان را در زمینه اداره نظام دسته‌بندی نمائیم چهار قسمت عمده در این باب مشخص می‌گردد^۱ و یا نیایش امام سجاد علیه‌السلام که تحت عنوان نیایش درباره مرزداران، در کتاب صحیفه سجادیه، آن حضرت آورده شده^۲ علاوه بر اینکه یک دعای بسیار شریف و ارزنده است لیکن فرازهایی از این دعا یک راهنمای طرح‌ریزی برای سپاهیان اسلام است که بر اساس آن باید طرح‌های عملیاتی، لجستیکی، جنگ روانی و فرهنگی برای رزمندگان و دفاع‌کنندگان مرزها تهیه نمایند که مطالعه این نیایش را برای طراحان امور نظامی توجیه می‌نمایم.

در این جا چند حدیث از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را در خصوص آینده‌نگری (طرح) متذکر می‌شویم:

آمادگی و مهیا شدن در کارها از دوراندیشی است.^۳

کسی که روزگار را بشناسد از آماده شدن غافل نمی‌ماند.^۴

۱- فرمان حکومتی پیرامون مدیریت (شرح عهد نامه امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (ع) به مالک اشتر- نگارش حجت الاسلام و المسلمین محمود قوچانی- ناشر، مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول سال ۱۳۷۶، صفحات ۶۰۱)

۲- صحیفه سجادیه- ترجمه آقا صدر بلاغی- انتشارات حسینیہ ارشاد- چاپ ۱۸ دی‌ماه ۱۳۵۲ صفحه ۳۱۱

۳- من الخزم التأهب و الاستعداد- غررالحکم و دررالکلم آمدی صفحه ۱۳۹ حدیث شماره ۲/۷۳۹

۴- من عرف الأيام لم یعقل عن الاستعداد- غرر الحکم و دررالکلم آمدی صفحه ۱۴۰ حدیث شماره ۱۰/۷۴۷

مَنْ قَعَدَ عَنْ حِيلَتِهِ أَقَامَتُهُ الشَّدَايدُ^۱ (کسی که از چاره اندیشی کار خویش بنشیند) بازماند) سختی‌ها او را به پا دارند(گرفتارش کند).
إِذَا قُتِرْنَ الْعَزْمَ بِالْحَزْمِ كَمَلَتِ السَّعَادَةُ(هنگامی که عزم و اراده با دور اندیشی همراه شد سعادت و نیکبختی کامل گردد)^۲
أَلْتَدُّ بِرَوْ قَبْلِ الْفِعْلِ يُومِنُ الْعِثَارُ^۳ (تدبیر و چاره جویی پیش از انجام کار باعث مصونیت از لغزش است)
عزیزان تفکر نمائید به تعاریفی که از طرح و برنامه گردید و به این احادیث بالا توجه نمائید.
پیش از آن که تصمیمی بگیری اندیشه کن، پیش از اقدام مشاوره و رایزنی نما و پیش از آن که ناگهان به کاری وارد شوی تدبیر کن.^۴
هرگاه خواستی کاری انجام دهی پس از تأمل و اندیشه و مراجعه کردن به مشورت انجام ده و کار امروز را به فردا مینداز، و هر روز کار همان روز را انجام بده.^۵
توجه دادن به داشتن طرح و عمل طبق برنامه

۱- همان منبع بالا صفحه ۳۱۰ حدیث شماره ۶/۲۲۸۱

۲- همان منبع بالا صفحه ۲۴۵ حدیث شماره ۲۹/۱۶۸۸

۳- عرف الایام لم یعقل عن الاستعداد- غرر الحکم و دررالکلم آمدی صفحه ۳۵۵ حدیث شماره ۲/۲۷۰۸

۴- همان منبع بالا صفحه ۲۹۴ ترجمه حدیث شماره ۳۶/۷۹۸۲

۵- همان منبع بالا صفحه ۲۹۳ ترجمه حدیث شماره ۲۸/۷۹۷۴

بخش چهارم

نتایج

و

درس‌ها

نتایج

اینک نتایج آنچه را تا کنون از آیات قرآن و احادیث در خصوص طرح و برنامه بیان داشتیم در یک جمع‌بندی ارائه می‌نمائیم و در مواردی اگر نیاز باشد باز آیاتی (البته چنانچه در آن خصوص آیه‌ای گواه آورده شده و ضرورت به بیان باشد) آورده خواهد شد.

همه امور عالم از قبل طراحی شده است.

هر امری در امور عالم طبق برنامه در زمان خاص خود تحقق می‌یابد.

برای هر امری مدتی است و هر کدام از زمان‌های بروز (حدوث) پدیده‌ها، استمرار (بقا) آن‌ها بر مبنای طرحی است که از قبل تنظیم شد.

طرح و برنامه عالم هستی مدون است (در کتاب علم الهی) و نزد پروردگار ضبط است.

در زندگی تخطی از طرح و برنامه‌ها وجود ندارد (لَنْ يُصِيبَنَا الا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا)

هستی دارای ماهیت از اوئی و به سوی اوئی است، شروع و پایان پدیده‌ها مشخص و تمامی پدیده‌ها و جهان خلقت هدفمند است. اهداف در هستی برای ما انسان‌ها و موجودات به صورت اهداف نزدیک، واسطه و غائی هستند.

طرح‌ها در قرآن کریم در سه نوع کوتاه مدت (مثل دوران جنینی تا شیر دادن طفل)، میان مدت (از کودکی تا رشد انسان) و بلند مدت ارائه شده‌اند (از رشد عقلی و جسمی تا حصول بهشت) برنامه‌های قرآنی در دو نوع فراگیر و جامع و عملیاتی ارائه گردیده برنامه‌های قرآنی در سه نوع کوتاه برد و میان برد و غائی، ارائه شده است.

در قرآن به دو نوع برنامه اشاره شده برنامه فلاح و درستکاری - برنامه بدبختی و عذاب.

و برای هر دو نوع نمونه‌هایی از اقوام پیشین آورده شده. برای برنامه فلاح رستگاری یک مسیر صراط مستقیم است که بزرگراه و سایر اعمال حسن (سبیل‌الله) هستند که به این شاهراه ختم می‌شوند.

برای برنامه بدبختی و شقاوت هم دو راه قید شده - راه آنان که خدا بر آنان غضب کرده و راه آنان که گمراه شدند و هر دو راه به بزرگراه دورخ ختم می‌شوند.

ذکر یک توجه و با نتیجه بسیار مهم در این جا ضروری است و آن این که در قسمت مربوط به وجه تمایز طرح با برنامه اشاره کردیم طرح‌ها غالباً بر مبنای پیش‌بینی‌ها، برآوردها و فرضیات بنا می‌شوند ولی اساس برنامه‌ها بر حقایق و واقعیات است و هر چقدر فرضیات و برآوردها به حقایق نزدیک‌تر باشند استحکام و صحت طرح بیشتر و برنامه‌ای که بر اساس آن طرح تدوین

می‌گردد به موفقیت نزدیک‌تر است و آن توجه مهم و نکته اساسی در خصوص طرح برنامه در قرآن این است که چون قرآن وحی حضرت حق جل‌جلاله است و پروردگار عالم به همه غیب و شهود، و تمام هستی پدیده‌ها قبل از خلقت و بعد و سرانجام همه امور عالم است و همه چیز در ید قدرت باریتعالی است لذا در طرح از منظر قرآن فرضیات و برآوردها تماماً حقایق و واقعیت‌ها هستند نه پیش‌بینی‌هایی که امکان عدم تحقق داشته باشند علیهذا چون همه چیز در محضر خداست و هیچ چیز برای حضرتش مخفی و پوشیده نیست لذا در طرح و برنامه برای سعادت بشر هیچ خدشه، تخلف و احتمالی راه ندارد. هر چه هست استحکام، علم، یقین و حتمی فراگیر و جاودانه است لذا در حقیقت وحی قرآنی است که علم است زیرا علم دیگری دارای چنین خصوصیاتی برای همیشه نیست.

درس هایی که گرفتیم:

حال درس هایی که از حقایق و واقعیت های طرح و برنامه در قرآن می گیریم یا باید ها و نبایدهای طرح ریزی و برنامه ریزی

- برای وصول به هر هدفی باید طرح و برنامه داشته باشیم:
- طرح و برنامه در امور مهم باید مدون باشد.
- در طرح نیاز به ذکر زمان نیست.
- در برنامه باید زمان های امور مشخص باشد.
- طراح در طرح ریزی باید زمان ها را برای خود ضبط و ثبت داشته باشد.
- زمان های برنامه در برنامه فراگیر نیاز به ابلاغ ندارد ولی در برنامه عملیاتی باید ابلاغ شود.
- طرح و برنامه هر دو باید قابلیت انعطاف داشته باشند (موسع بودن زمان نمازهای پنج گانه- نماز و روزه مسافر- نماز در حال جنگ- سقوط تکلیف جهاد از بیمار یا انواع حج مثل حج قرآن- حج افراد- عمره تمتع از مصادیق این امرند)
- داشتن برنامه جایگزین یا برنامه برای شرایط بحران ضروری است (به آیات مربوط به جای آوردن قضای عبادت- استغفار از گناهان و جبران مافات و کفارات توجه شود)
- برنامه ریزی با علم، حکمت و عدالت میسر است
- برنامه باید جوابگوی همه مخاطبین و اقدام کنندگان آن باشد (به آیات قرآن که همه جن و انس را خطاب قرار می دهد یا

به احکام ارث و محارم و یا به آیات مربوط به عمل گذشتگان و آیندگان توجه شود)

- در طرح‌ریزی و برنامه‌ریزی باید همه امور متوجه هدف یا نتیجه غائی باشد

(به آیات قرب الهی - کسب رضایت حق - اخلاص در عمل توجه فرمایید)

- برنامه‌ریزی باید قابلیت ارزیابی و حسابرسی در هر مرحله را داشته باشد. به آیات حساب و کتاب اعمال توجه فرمایید. همین‌طور به مبانی سیر و سلوک مشارطه - مراقبه - محاسبه در احادیث دقت نمائید.

- برنامه باید جوابگوی از مبداء تا مقصد باشد یا همه زمان‌های عمل را بپوشاند.

- در برنامه‌های جامع باید برنامه یا برنامه‌های تکمیلی برای شرایط خاص نیز پیش‌بینی شود. (آیات مربوط به حدود، قصاص و تعزیرات از این قبیل‌اند)

- در برنامه‌ریزی باید توجه دقیق به محدودیت‌ها و مقدرات و توانایی‌های مجریان برنامه شود به آیه

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا
اَكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تَأْخُذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلِ

عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَيَّ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا
مَالًا طَاقَةً لَنَا بِهِ وَاَعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا
فَاَنْصُرْنَا عَلَيَّ الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ

(سوره بقره آیه ۲۸۶)

و همین‌طور آیات مربوط به مباحث جهاد و قتال توجه شود.
- برنامه اجرایی یا عملیاتی باید دقیق و به دور از ابهام و کلی‌گویی باشد و جنبه عملی و عینی داشته باشد.
(به آیات مربوط به حدود و قصاص، گواهی دادن، ارث و محارم توجه فرمایید)
- از آن‌جایی که برنامه در بستر زمان تحقق می‌یابد یعنی پدیده‌ای است بدون بازگشت، بایستی ترتیب توالی موضوعات تقدم و تأخر زمانی و شانی آن‌ها در برنامه لحاظ گردد.
(به آیات مربوط به اقدامات مرحله به مرحله تبلیغ رسالت پیامبر بزرگوار اسلام(ص) توجه شود.
به ترتیب: تبلیغ به خانواده- بستگان- قوم عشیره- شهر و محل سکونت- سایر ملل).
- گرچه برنامه باید بلند مدت و جامع باشد ولی باید قابلیت ابلاغ تدریجی، و هم امکان اجرای مرحله به مرحله را داشته باشد و مرحله به مرحله بر اساس نیاز مجری ابلاغ و اجرا گردد.

(به نزول دفعی و تدریجی آیات و ابلاغ مرحله به مرحله احکام و مخاطبین هر مرحله توجه شود)

- در برنامه‌ریزی باید زمینه هر مرحله در مرحله قبل مهیا شده باشد یا این‌که هر مرحله پله مرحله بعد باشد.

(از آسان به مشکل)

(به آیات ناسخ و منسوخ تفکر نمایید)

اللَّهُمَّ وَفِقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم- ترجمه استاد الهی قمشهای- انتشارات هجرت
- ۲- نهج البلاغه- ترجمه استاد مصطفی زمانی
- ۳- نهج البلاغه- ترجمه استاد فیض الاسلام
- ۴- صحیفه سجادیه - ترجمه استاد مصطفی زمانی
- ۵- آیین مدیریت - دکتر حسام‌الدین بیان
- ۶- اصول و مبانی مدیریت - دکتر عبدالله جاسبی
- ۷- اصول کافی - شیخ کلینی
- ۸- الحیاه- تألیف محمد رضا، محمد، علی حکیمی ترجمه احمد آرام
- ۹- بحار الانوار - مجلسی
- ۱۰- تفسیر نمونه- آیت‌الله مکارم شیرازی
- ۱۱- تفصیل الایات قرآن کریم_ ترجمه استاد الهی قمشهای
- ۱۲- تاریخ فخری- تألیف ابن طقطقی
- ۱۳- تحف العقول- تألیف شیخ ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی معروف به ابن شعبه
- ۱۴- سازمان و مدیریت - دکتر علی محمد اقتداری
- ۱۵- شب‌های پیشاور - سلطان الواعظین شیرازی
- ۱۶- طرح ریزی استراتژیک دفاعی و امنیتی - دکتر محمدباقر آشتیانی

- ۱۷- غررالْحکْم و دررالکلم - مولف: آمدی - ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی
- ۱۸- فرمان حکومتی پیرامون مدیریت (شرح عهدنامه امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) به مالک اشتر) آیت‌الله محمود قوچانی
- ۱۹- فرهنگ واژه‌های نظامی - سرتیپ محمود رستمی
- ۲۰- کنز العمال - علی علاءالدین متقی هندی.
- ۲۱- مبانی مدیریت - گری دسلر - ترجمه داوود مدنی
- ۲۲- مدیریت عمومی - دکتر مهدی الوانی
- ۲۳- مفاتیح الجنان - شیخ عباس قمی - ترجمه مصطفی زمانی
- ۲۴- میزان الحکمه - محمد محمدی ری شهری
- ۲۵- نگرشی بر مدیریت اسلامی - سیدرضا دامغانی



هیأت معارف جنگ
شهید سپید علی سیاد شیرازی

Nim Negahi Be
Modiriyat, Tarh Va
Barnamerizi

Dar Quran

Brigadier general Naser Arasteh

War Cognizance Committee Of Martyr
Lieutenant

General Ali Sayyad Shirazi